

نگرش انتقادی به چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی

دکتر ساسان مهرانی
رضا حصارزاده

مقدمه

حسابداری مبتنی بر تصمیم‌گیری و چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، ابرتئوری‌های طرفدار دانش حسابداری به‌شمار می‌روند. به بیان دیگر، چارچوب نظری حسابداری می‌تواند مبتنی بر تصمیم‌گیری یا مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی باشد. گزینش هر یک از این دو چارچوب نظری به‌عنوان مبنا، می‌تواند تأیید عمیقی بر چارچوب حاصل داشته باشد (Ljiri, 1982). چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری، بیشتر در بخش خصوصی به کار گرفته شده و چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی در بخش عمومی مورد استقبال واقع شده است. هدف این نوشتار، به‌چالش کشیدن چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی نمی‌باشد. بلکه مقصود، تهییج اندیشه‌های پژوهشگران به سمت تأمل بیشتر در این چارچوب نظری و نیز نقاطی از آن است که به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. این نوشتار به بررسی اجمالی چارچوب حسابداری مبتنی بر تصمیم‌گیری، چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی و معرفی دیدگاه‌های انتقادی می‌پردازد. سپس با طرح نقطه‌نظرهای انتقادی در مورد چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، نقاط ضعف یا مبهم آن را برجسته می‌نماید.

چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری

نقطه عطف ایجاد چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری را می‌توان انتقاد شدید واتر (Vatter)، به «چارچوب حسابداری مبتنی بر فرض‌های بدیهی‌اصول» (یادگار کمیته‌های مطالعات تحقیقاتی حسابداری شماره ۱ و ۳ هیئت اصول حسابداری آمریکا) دانست. حمله واتر به چارچوب مذکور در بیانیه سال ۱۹۶۶ جامعه حسابداری آمریکا تحت عنوان تئوری بنیادی

به اعتقاد چمبرز (Chambers, 1965) تاریخ «تفکر حسابداری»، تاریخ توسعه نیست، بلکه مجموعه‌ای از روایت‌های گسسته از هم می‌باشد. پیشکسوتان تئوری‌های حسابداری از ایجاد حلقه ارتباطی بین مباحث در مانده‌اند. تعداد قلیلی به کار دیگران اشاره کرده‌اند و هیچ‌کدام از آنها آشکارا کار خود را براساس نوشته‌های پیشینیان یا معاصرین ادبیات حسابداری استوار نکرده‌اند (انجمن حسابداری آمریکا، ۱۹۷۳). اگرچه این نظر تقریباً درست می‌باشد، اما به معنای عدم پیشرفت رویکردهای حسابداری و چارچوب‌های نظری حسابداری نیست. برخلاف گذشته، امروزه خبری از چارچوب‌های حسابداری «حسابدارمحور» یا اصول «حسابداری محور» نیست. چارچوب‌های حسابداری موجود در دنیای حسابداری، بسیار پویا و متناسب با نیازهای مخاطبین رو به تحول است. هرچند، دانش حسابداری به‌عنوان جزئی از مجموعه علوم انسانی، همپای بسیاری از شاخه‌های دیگر این مجموعه در تئوری‌های خود به وحدت کامل نرسیده است. چارچوب نظری حسابداری، سیستمی هماهنگ و منسجم از هدف‌های مرتبط با یکدیگر و همچنین مفاهیم بنیادی است که می‌تواند به استانداردهای یکنواختی منتهی شود که ماهیت، کارکرد و حدود حسابداری مالی و صورت‌های مالی را توصیه می‌کند (Wolk, 2005). هیئت تسدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، آنرا به‌عنوان یک قانون اساسی معرفی نموده است (Hendrikson, 1993). چارچوب نظری، یک بنیاد عملی به معنای کلاسیک آن نیست؛ بلکه یک مرجع برای عمل و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری می‌باشد (Power, 1995). در میان چارچوب‌های مختلف حسابداری، امروزه چارچوب

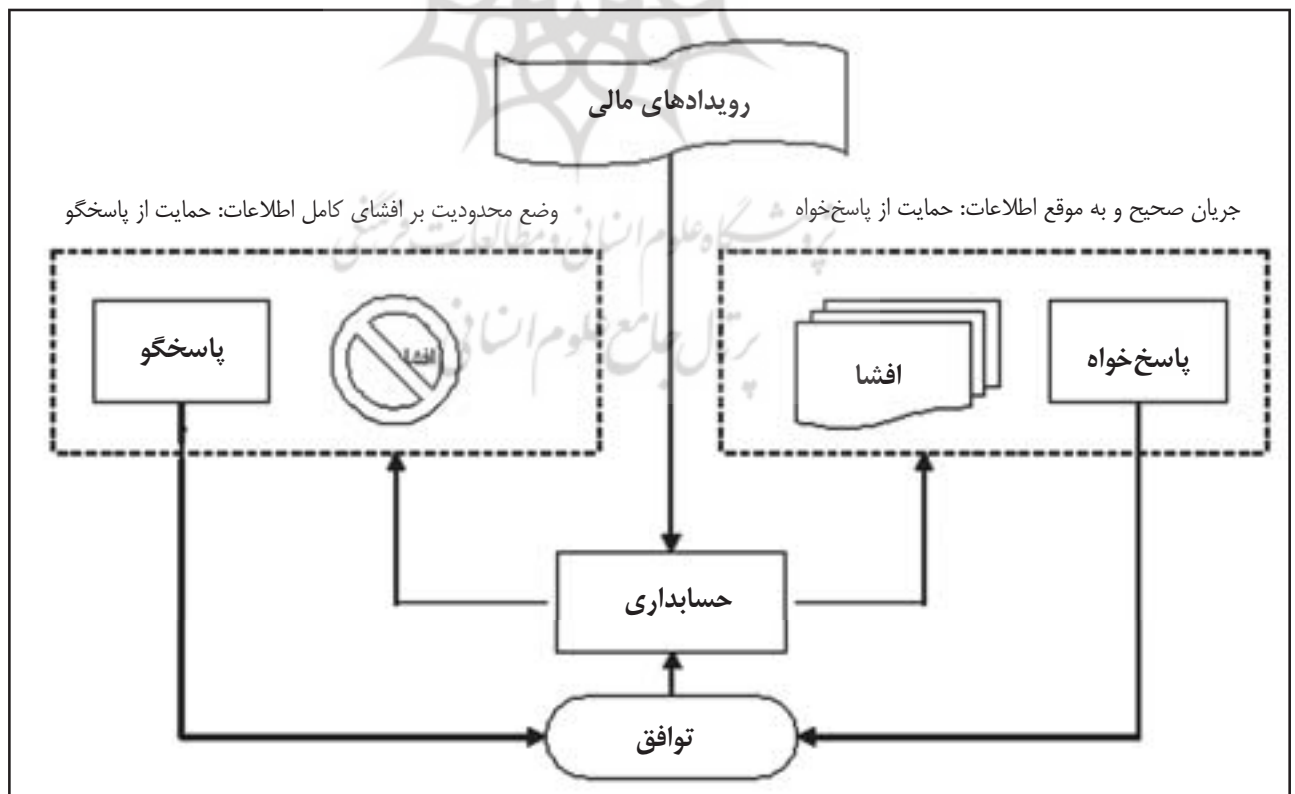
حسابداری، منعکس گردید. دیدگاه مزبور با بیان این مطلب آغاز شد که حسابداری عبارت است از فرایند شناسایی، اندازه‌گیری و رساندن اطلاعات اقتصادی تا استفاده‌کنندگان این اطلاعات بتوانند قضاوتی آگاهانه بنمایند و تصمیم‌های معقولی اتخاذ کنند. بنابراین، تئوری بنیادی حسابداری به‌عنوان نخستین بیانیه تئوری حسابداری مطرح شد که در آن، استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی مورد خطاب قرار گرفته بودند (Hendrikson, 1992). پس از آن، سایر کمیته‌ها و انجمن‌های سازمانی - تحقیقاتی تحت تاثیر این بیانیه به‌صورت ویژه بر اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تاکید ورزیدند. به‌عنوان مثال، گزارش کمیته **تروبلاد** (Trueblood) در سال ۱۹۷۱ بیان داشت که هدف اولیه صورت‌های مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای اخذ تصمیم‌های اقتصادی مفید می‌باشد (Wolk, 2004). در سال ۱۹۸۷، بیانیه شماره یک هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، اهداف گزارشگری مالی خود را تحت تاثیر اهداف گزارشگری تروبلاد تنظیم و چارچوب نظری گزارشگری خود را که مبتنی بر تصمیم‌گیری می‌باشد، ارائه نمود. این چارچوب به‌عنوان یک ابرتئوری، در بخش خصوصی اکثر کشورهای دنیا به‌کار گرفته شده است.

(Navring & Schuman, 2006). آنچه در این مفهوم مستتر است، برقراری جریان منصفانه اطلاعاتی می‌باشد که ضمن حفظ حریم‌های قانونی پاسخ‌گو، حق مسلم پاسخ‌خواه مبنی بر دانستن حقایق نیز ادا شود (بختکی، ۱۳۸۶). اگر چه مفهوم مسئولیت پاسخ‌گویی در کشورهای با نظام سیاسی مردم‌سالار از دیرباز جایگاه ویژه‌ای داشته، اما توجه و تاکید بر آن به‌عنوان مفهومی بنیادین در تدوین چارچوب نظری حسابداری، مرهون مقاله‌ای نظری است که **یوجی ایجیری** (Yoji Ijiri) در سال ۱۹۸۲ در دانشگاه هاروارد ارائه نمود (باباجانی و پوریانسب، ۱۳۸۲، با تغییر). براساس ارتباط مسئولیت پاسخ‌گویی، پاسخ‌گو ملزم به فراهم کردن اطلاعات خاصی برای پاسخ‌خواه است. حسابدار نیز به‌عنوان طرف سوم، وظیفه دارد تا آن‌ها را از جریان صحیح و به‌موقع اطلاعات مطمئن سازد. در چنین حالتی، حسابداری به‌تنهایی متعلق به هیچ‌کدام از طرفین نیست (باباجانی، ۱۳۸۷)، بلکه مشابه یک قرارداد اجاره که هم منافع موجر و هم منافع مستاجر را دربر می‌گیرد، از یک سو بر ارائه اطلاعات توسط پاسخ‌گو (آنچه که براساس توافق باید افشا شود) و تامین حقوق پاسخ‌خواه تاکید دارد و از سوی دیگر با تاکید بر حفظ حریم قانونی پاسخ‌گو (آنچه نباید افشا شود)، منافع پاسخ‌گو را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. (Ijiri, 1982). در سال ۱۹۸۷، پنج سال پس از آن که ایجیری مقاله خود را ارائه نمود، بیانیه مفهومی شماره یک **هیئت تدوین استانداردهای حسابداری دولتی** (GASB)، تحت تاثیر این مقاله به‌عنوان اولین چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، جایگزین چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری (موضوع بیانیه شماره یک شورای ملی حسابداری دولتی دولت‌های ایالتی و محلی آمریکا) گردید. جریان منصفانه اطلاعات بین پاسخ‌خواه و پاسخ‌گو توسط حسابداری در **نمایشگر ۱** نشان داده شده است.

حسابداری عبارت است از فرایند شناسایی، اندازه‌گیری و رساندن اطلاعات اقتصادی تا استفاده‌کنندگان این اطلاعات بتوانند قضاوتی آگاهانه بنمایند و تصمیم‌های معقولی اتخاذ کنند. بنابراین، تئوری بنیادی حسابداری به‌عنوان نخستین بیانیه تئوری حسابداری مطرح شد که در آن، استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی مورد خطاب قرار گرفته بودند (Hendrikson, 1992). پس از آن، سایر کمیته‌ها و انجمن‌های سازمانی - تحقیقاتی تحت تاثیر این بیانیه به‌صورت ویژه بر اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تاکید ورزیدند. به‌عنوان مثال، گزارش کمیته **تروبلاد** (Trueblood) در سال ۱۹۷۱ بیان داشت که هدف اولیه صورت‌های مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای اخذ تصمیم‌های اقتصادی مفید می‌باشد (Wolk, 2004). در سال ۱۹۸۷، بیانیه شماره یک هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، اهداف گزارشگری مالی خود را تحت تاثیر اهداف گزارشگری تروبلاد تنظیم و چارچوب نظری گزارشگری خود را که مبتنی بر تصمیم‌گیری می‌باشد، ارائه نمود. این چارچوب به‌عنوان یک ابرتئوری، در بخش خصوصی اکثر کشورهای دنیا به‌کار گرفته شده است.

چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی

مفهوم مسئولیت پاسخ‌گویی که سابقه حیاتش همپای حیات نظام‌های سیاسی مردم‌سالار است، ریشه در فلسفه سیاسی دارد و مفهوم امروزی آن بر ارکانی نظیر پذیرش «حق دانستن حقایق» و «حق پاسخ‌خواهی» برای مردم، استوار است (باباجانی، ۱۳۸۰). مفهوم مسئولیت پاسخ‌گویی، چیزی فراتر از صرف نمایش و ارائه یک عمل یا فعالیت است (Navring & Schuman, 2006). پاسخ‌گو ننگه داشتن، مستلزم آن است که هر فرد بها و جزای عمل خود را ببیند



نمایشگر ۱ - جریان منصفانه اطلاعاتی بین پاسخ‌خواه و پاسخ‌گو توسط حسابداری

این نوشتار

به بررسی اجمالی

چارچوب حسابداری مبتنی بر تصمیم‌گیری

چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی

و

معرفی دیدگاه‌های انتقادی

می‌پردازد

حال، پاسخ‌گو نیز حق دارد از حریم قانونی خود حفاظت کند. دانستن اطلاعات بیش‌تر درباره پاسخ‌گو، ضرورتاً بهتر نیست. البته شاید از منظر پاسخ‌خواه بهتر باشد، اما الزاماً از منظر رابطه پاسخ‌گویی این‌گونه نیست (Ijiri, 1982). به‌علاوه، طرفداران چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی اضافه می‌کنند که چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم، بر تصمیم‌گیرندگان که همان استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری می‌باشند، تأکید دارد؛ لذا یک‌سویه بوده و فقط علایق ایشان را در نظر می‌گیرد. هم‌چنین، هدف حسابداری در چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم، فراهم ساختن اطلاعات مفید برای تصمیم‌های اقتصادی است و هر چه اطلاعات بیشتر باشد، بهتر است (حتی اطلاعات محرمانه)، مشروط بر آن‌که هزینه جمع‌آوری و ارائه اطلاعات از منفعت آن کمتر باشد (باباجانی، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب فوق، به‌وضوح ملاحظه می‌شود که جریان منصفانه اطلاعاتی و حفظ حریم پاسخ‌گو، به‌عنوان یکی از نقاط برتری چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی نسبت به چارچوب مبتنی بر تصمیم شمرده شده است.

در این نوشتار، نگارندگان با طرح نقاط ضعف یا حداقل مبهم چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی، به تهییج افکار به سمت چارچوب‌های حسابداری و ادعاهای مطرح‌شده می‌پردازند. معمولاً در مباحث پیرامون علوم انسانی و اجتماعی، اظهارنظر و ادعا در مورد پدیده‌ها به‌صورت مطلق، به نظریه‌ای غیر علمی شبیه‌تر است. بنابراین، سعی می‌گردد تا به جای اظهارنظر مطلق، چارچوب نظری مبتنی بر پاسخ‌گویی در مقام مقایسه با چارچوب مبتنی بر تصمیم، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی، از ویژگی‌های حاکم بر هر محیط تأثیر می‌پذیرند. به عنوان مثال، طبع و ماهیت رابطه گیرداوطلبانه بین فراهم‌آوردندگان منابع مالی و مصرف‌کنندگان منابع مالی دولتی، فقدان انگیزه سود و یا نظر حاکم بر بازار برای هدایت عمل مدیریت و...، مسئولیت پاسخ‌گویی را در بخش عمومی به‌ویژه دولتی، ضروری نموده است. با این بیان، تأکید می‌گردد که هدف این نوشتار، به چالش کشاندن چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی و دفاع از چارچوب مبتنی بر تصمیم نمی‌باشد. بلکه در این نوشتار سعی می‌گردد تا بعضی از نقاط پنهان و مبهم چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی و نیز بعضی از ادعاهای طرفداران این چارچوب نظری، بیان و بررسی شود.

از جمله مباحثی که کمتر توسط طرفداران چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی به‌صورت دقیق بحث و استدلال شده است، حجم اطلاعات مورد افشا و نیز اثربخشی تصمیم‌گیری براساس اطلاعات چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی می‌باشد. به صورت کلی، با توجه به استدلال‌های طرفداران چارچوب نظری مبتنی بر پاسخ‌گویی، مشخص است که حجم اطلاعات قابل افشا در این چارچوب، نسبت به چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری (با فرض مشابه بودن ویژگی‌های محیطی)، کمتر می‌باشد. زیرا آن‌ها بیان می‌دارند که دانستن اطلاعات بیش‌تر درباره پاسخ‌گو، ضرورتاً بهتر نیست. البته، شاید از منظر پاسخ‌خواه بهتر باشد، اما لزوماً از منظر رابطه کلی پاسخ‌گویی این‌گونه نیست. به‌علاوه، آنان در انتقاد به چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری اشاره می‌کنند که در این چارچوب عرضه‌کنندگان اطلاعات حسابداری اشیای بی‌جانی می‌باشند که حقوق‌شان در جریان اطلاعات نادیده گرفته می‌شود (Ijiri, 1982). اما به‌سبب فراهم نمودن زمینه مناسب برای بررسی چارچوب مبتنی بر

معرفی دیدگاه انتقادی

دیدگاه‌های انتقادی، به رویکردی در تحقیقات حسابداری اشاره دارد که پرسشی فراتر از به‌کارگیری روشی خاص در حسابداری را مطرح می‌کند (Deegan, 2006). تئوری پردازان حسابداری انتقادی به دنبال جلب توجه به سمت نقاطی هستند که به سبب روزمره‌گی‌ها و تکرار، مشروع جلوه نموده‌اند. به‌علاوه، آنان نظریه عینیت و بی‌طرفی حسابداری را به چالش می‌کشند (Baker & Betner, 1997). آنها تأکید می‌کنند که سیستم‌های حسابداری، پیرامون نظام اجتماعی حاکم شکل گرفته است. به عبارت دیگر، با توجه به این‌که حسابداری در دست سازمان‌های بزرگ و قوانین حسابداری تحت کنترل دولت است، حسابداری هیچ‌گاه کاری جز حمایت از سیستم‌های اجتماعی کنونی انجام نمی‌دهد (Deegan, 2006). نگرش‌های انتقادی بیان می‌دارند که به‌نظر می‌رسد نتایج تحقیقات و دیدگاه‌های محققان حسابداری، به مشروعیت بخشیدن و حفظ ایدئولوژی‌های سیاسی خاصی کمک می‌نمایند. نگرش‌های انتقادی، هنجاری می‌باشند و در تلاش برای پیگیری منافع اجتماعی و تسهیل تغییر در جامعه‌اند (James, 2008).

نگرشی انتقادی نسبت به چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی

طرفداران چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی بیان می‌دارند که این چارچوب نظری بر ارتباط بین پاسخ‌گو (مقامات منتخب مردم) و پاسخ‌خواه (شهروندان) تأکید دارد. لذا دوسویه بوده و منافع هر دو طرف را مورد توجه قرار می‌دهد (باباجانی، ۱۳۸۶). در چارچوبی که مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی است، هدف حسابداری فراهم آوردن نظامی منصفانه از جریان اطلاعات میان پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است. این چارچوب، بر پایه رابطه مسئولیت پاسخ‌گویی میان دو طرف بنا می‌شود. بر مبنای رابطه بنیادی پاسخ‌گویی، پاسخ‌خواه حق معینی برای دانستن دارد و در عین

استفاده‌کنندگان به‌منظور ارزیابی و اتخاذ تصمیم‌های لازم درباره منابع کمیاب" و "فراهم نمودن اطلاعات برای هدف‌های پاسخ‌گویی" بیان شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در چارچوب‌های مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، فراهم آوردن اطلاعات برای تصمیم‌گیری، از جمله هدف‌های این چارچوب می‌باشد. هر چند که فراهم نمودن اطلاعات برای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی به‌عنوان سنگ‌بنا و مرکز ثقل کلیه هدف‌های گزارشگری مالی، در اولویت اول قرار دارد. با توجه به مباحث پیش‌گفته، وضعیت چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی از منظر حجم اطلاعات قابل افشا و کارایی تصمیم‌گیری، براساس فرضیات مطرح شده بررسی می‌شود. اگر مطابق فرضیه اول و **نمایشگر ۲**، اطلاعات قابل افشا در چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی بیش از اطلاعات چارچوب مبتنی بر تصمیم باشد، آن‌گاه شگفت‌آور خواهد بود که چگونه چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی با این‌که علاوه بر اطلاعات چارچوب مبتنی بر تصمیم، افشای اطلاعات دیگری را نیز بر پاسخ‌گو تحمیل می‌کند، ادعای حمایت از حریم پاسخ‌گو را دارد. بنابراین، مشخص است که این فرضیه رد می‌گردد.

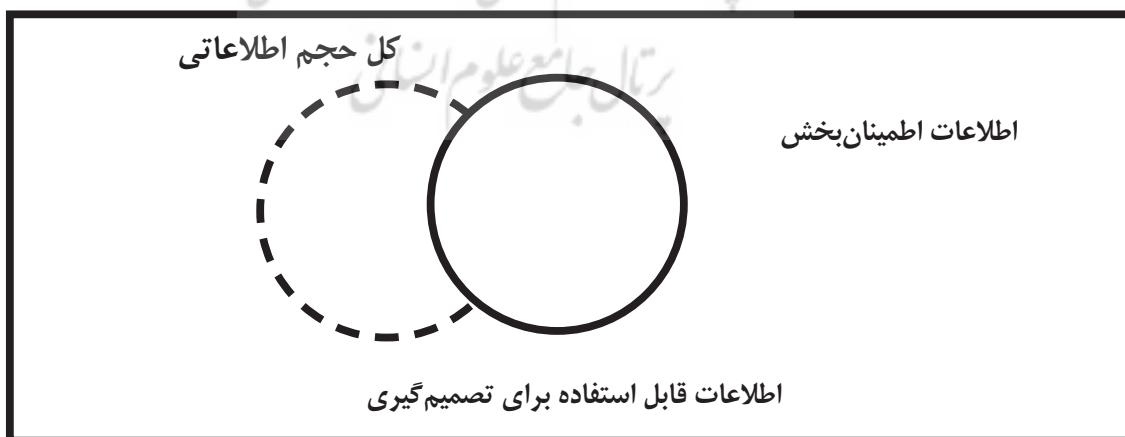
مسئولیت پاسخ‌گویی، فرضیات مختلف در مورد حجم اطلاعات قابل افشا در این چارچوب، بررسی می‌گردد. در مورد میزان اطلاعاتی که در چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی نسبت به چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری قابل ارائه است، چند فرضیه به ذهن متبادر می‌گردد که با طرح دو فرضیه در ادامه، می‌توان همه آن‌ها را پوشش داد.

فرضیه اول: چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی علاوه بر اطلاعات چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری، اطلاعات دیگری را نیز ارائه می‌کند.

هیئت تدوین استانداردهای حسابداری دولتی آمریکا به‌عنوان پیش‌تاز ارائه و استقرار چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی در بخش عمومی، هدف‌های گزارشگری مالی دولتی را در بند ۱۷۶ تا ۱۷۹ به این ترتیب ارائه نموده است که: "گزارشگری مالی باید اطلاعاتی را فراهم کند که به استفاده‌کنندگان کمک نماید تا مسئولیت پاسخ‌گویی دولت را ارزیابی کنند و تصمیم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بگیرند." در بندهای ۲۶ و ۲۷ بیانیه‌های مفاهیم شماره ۱ و ۲ حسابداری بنیاد تحقیقات حسابداری استرالیا، هدف‌های گزارشگری مالی به ترتیب "تهیه اطلاعات مفید برای



نمایشگر ۲- مقایسه حجم اطلاعاتی چارچوب‌های نظری حسابداری بر طبق فرضیه اول



نمایشگر ۳- مقایسه حجم اطلاعاتی چارچوب‌های نظری حسابداری بر طبق فرضیه دوم



نمایشگر ۲ مقایسه حجم اطلاعاتی چارچوب‌های نظری حسابداری بر طبق فرضیه اول را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی، در افشای بعضی از اطلاعات با چارچوب مبتنی بر تصمیم مشترک و در سایر موارد متفاوت است.

در صورتی که مطابق فرضیه دوم و **نمایشگر ۳**، بعضی از اطلاعات قابل افشا در چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی با چارچوب مبتنی بر تصمیم مشترک و در سایر موارد متفاوت باشد، باید پذیرفت که چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی نسبت به چارچوب مبتنی بر تصمیم، اثربخشی کمتری برای اخذ تصمیم بهینه دارد. زیرا اولاً، براساس توضیحاتی که در ابتدای قسمت بررسی فرضیه یک مطرح گردید، فراهم آوردن اطلاعات برای اخذ تصمیم‌گیری، از جمله هدف‌های نظام‌های گزارشگری دارای چارچوب‌های گزارشگری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی می‌باشد. ثانیاً، همان‌طور که در **نمایشگر ۳** ملاحظه می‌شود، حجم اطلاعات قابل استفاده برای تصمیم‌گیری در چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی (حوزه اشتراک دو چارچوب)، نسبت به حجم اطلاعات قابل استفاده برای اخذ تصمیم‌ها در چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری، کمتر می‌باشد. **نمایشگر ۳** مقایسه حجم اطلاعاتی چارچوب‌های نظری حسابداری بر طبق فرضیه دوم را نشان می‌دهد.

به بیان دیگر و براساس فرضیه دوم، اطلاعات قابل افشا در چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، دو بخش می‌باشد. یکی بخش سودمند برای اخذ تصمیم‌ها که با چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری مشترک است و دیگری، اطلاعات اطمینان‌بخش که در تصمیم‌گیری استفاده نمی‌شود. برای روشن نمودن مفهوم اطلاعات اطمینان‌بخش، باید گفت که ایجیری معتقد است همان‌طور که در نظام بیمه‌ای، حاصل پوشش بیمه‌ای اطمینان خاطر برای بیمه‌گذار است و هدف بیمه‌گذار از تحت پوشش قرار گرفتن، لزوماً استفاده از منافع ناشی از بیمه در زمان رویداد نیست،

هدف نهایی از جریان صحیح و به‌موقع اطلاعات، اطمینان خاطر است که از طریق سیستم حسابداری، دفترها و گزارش‌های مالی رسیدگی‌پذیر حاصل می‌شود. به بیان دیگر، در صورتی که وجود دفترها و گزارش‌های مالی باعث شود که پاسخ‌گو با اعتقاد بیشتری وظیفه پاسخ‌گویی خود را انجام داده و اعتماد پاسخ‌خواه را نسبت به خود افزایش دهد، سیستم حسابداری از کارایی بالایی برخوردار خواهد بود؛ حتی اگر هیچکدام از طرفین، گزارش‌های مالی را مطالعه نکنند (باباجانی، ۱۳۷۹). لازم به تذکر است که این مابینت و مقایسه، صرف‌نظر از بررسی ویژگی‌های محیطی انجام می‌شود. زیرا علاوه بر این که هدف نگارندگان این تحقیق بیان نقاط دور از نظر مانده چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی است، شماری از متفکرین حسابداری نظیر **ویلیام (William, 1987)**، اعلام نموده‌اند که در حسابداری بخش عمومی و حتی در حسابداری واحدهای سودپیشه بخش عمومی، استفاده از چارچوب مبتنی بر تصمیم برتری دارد (باباجانی و پوریانسب، ۱۳۸۲) و گفته شده که ایجیری در اثرش، جهت‌گیری صریحی را در خصوص استفاده از چارچوب مفهومی مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی در حسابداری بخش عمومی یا خصوصی ننموده و به تعبیری، کاربرد آن را در هر دو بخش امکان‌پذیر دانسته است (باباجانی و پوریانسب، ۱۳۸۲). بدین ترتیب با کاهش حجم اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری، اثربخشی اطلاعات برای اخذ تصمیم‌ها کاهش می‌یابد. به‌علاوه، می‌توان حداقل این پرسش را از کسانی که ادعای امکان‌پذیر بودن کاربرد چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی در بخش خصوصی را دارند، به‌عمل آورد که چطور سهامدارانی که اطلاعات کافی برای اخذ تصمیم‌های خود ندارند، می‌توانند آرامش خاطر داشته باشند. هم‌چنین، کاهش اطلاعات در بازارهای فعالی که هر روز سهامداران در آن‌ها اقدام به خرید و فروش سهام شرکت‌های مختلف می‌کنند و در هر لحظه نیاز به اطلاعات مناسبی جهت اخذ تصمیم

**مفهوم مسئولیت پاسخ‌گویی
که سابقه حیاتش همپای
حیات نظام‌های سیاسی مردم‌سالار است
ریشه در
فلسفه سیاسی دارد
و
مفهوم امروزی آن
بر ارکانی
نظیر پذیرش «حق دانستن حقایق»
و
«حق پاسخ‌خواهی»
برای مردم
استوار است**

صاحبان اصلی حق می‌باشند و مگر نه آن که حق از جانب آنان تفویض گردیده است؟ بنابراین «حق جداگانه برای نماینده یا مدیران قائل شدن»، نیاز به مبنای نظری دقیق‌تری دارد. همچنین، یک سلسله از نگرش‌های نظریه‌پردازان تاثیرگذار بر حسابداری که توانسته‌اند بر گسترش افشای اطلاعات موثر باشند و ایجاد انگیزه بنمایند، تئوری‌هایی است که تئوری حق دانستن از جمله آن است (Belkauei, 2000). به‌علاوه، در فرایند نظرخواهی عمومی برای یک رویه خاص حسابداری، به نظرات گروه‌های مختلف توجه می‌شود و اگر سهم عرضه‌کنندگان اطلاعات کمتر است، این به علت ویژگی مردم‌سالاری انتخابات است که براساس آن هر فردی یک رای دارد. زیرا نسبت استفاده‌کنندگان اطلاعات (که صاحبان حق می‌باشند) به عرضه‌کنندگان اطلاعات، قابل توجه می‌باشد. براساس هدف‌های ارائه شده از سوی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی امریکا، گزارشگری مالی باید اطلاعاتی را ارائه کند که برای سرمایه‌گذاران، بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان حال و آینده، مفید واقع گردد. بر طبق بیانیه مفهومی شماره یک، صورت‌های مالی باید براساس اهداف عمومی و نه براساس نیازهای خاص گروه‌های استفاده‌کننده خاص تهیه شود. همچنین، بسیاری از اطلاعاتی که برای گروه‌های سرمایه‌گذار (بالقوه و بالفعل) و اعتباردهندگان فراهم می‌شود، نیاز اطلاعاتی سایر گروه‌ها را نیز پوشش می‌دهد (Wolk, 2004). به‌عنوان مثال، ویژگی رایج همه گروه‌های استفاده‌کننده خارجی آن است که به پیش‌بینی مبالغ، زمان‌بندی و ابهام در مورد وجه نقد، علاقه‌مند می‌باشند (شباهنگ، ۱۳۸۶، با تغییر).

طرفداران چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، بیان داشته‌اند که واقعیت سیستم حسابداری، فراهم ساختن سیستمی مطلوب جهت دادوستد اطلاعات بین پاسخ‌گو و پاسخ‌خواه است. بنابراین، مطلوبیت هدف اساسی است که سیستم حسابداری کوشش می‌کند تا آن را تحقق بخشد. مقایسه مطلوبیت در چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی و چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری، تفاوت اصلی بین دو چارچوب را آشکار می‌سازد. در چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، فرض بر این است که اطلاعات فقط به این دلیل که برای حساب‌گیر مفید است، به وی ارائه نمی‌شود؛ بلکه اطلاعات فقط در صورتی باید از حساب‌ده (پاسخ‌گو) به حساب‌گیر (پاسخ‌خواه) منتقل شود که طبق قضاوت حرفه‌ای، مطلوب تشخیص داده شود. این در حالی است که چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری، چنین قضاوتی را نیاز ندارد (باباجانی، ۱۳۸۷). نکته انتقادی که حتی توسط خود طرفداران چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی مطرح شده و طبق دیدگاه‌های انتقادی، راه را برای سوءاستفاده مراکز قدرت (دولت و...) و واسطه‌های تحت کنترل‌شان (حسابداری) باز گذاشته، آن است که تعریف دقیق مطلوبیت که به منظور کمک به حسابدار در ایجاد یک سیستم حسابداری مطلوب انجام می‌شود، کاری بس مشکل است. براساس دیدگاه‌های انتقادی که سیستم‌های اجتماعی پیرامون نظام‌های اجتماعی حاکم شکل می‌گیرند، این دشواری در تشخیص مطلوب از نامطلوب، راه را برای حمایت از سیستم حاکم بر جامعه و تضییع منافع عمومی، فراهم می‌سازد.

ممکن است طرفداران چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی ادعا کنند در صورتی که طرف پاسخ‌خواه (مانند سهامدار) و طرف پاسخ‌گو (مانند مدیر) بر سر دریافت و تهیه اطلاعات به توافق برسند، طرف پاسخ‌خواه نیازی به دریافت اطلاعاتی که قبلاً در چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری داشت،

بهینه دارند، چه توجیهی می‌تواند داشته باشد. آیا این کاهش اطلاعاتی، پویایی بازار و امکان جذب سرمایه را کاهش نمی‌دهد. اکثر تحقیقات و تئوری‌های مطرح‌شده در باب بازار اطلاعاتی، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بین اصل (مالک) و نماینده می‌باشد. کاهش حجم اطلاعات مورد استفاده اصل، باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد. نکته مهم دیگر آن است که مسئولیت پاسخ‌گویی در جوامع مردم‌سالار، بر پایه این عقیده استوار است که مردم حق دارند بدانند و همچنین حق دارند تا حقایق را به صورت علنی و از طریق مذاکرات عمومی با ایشان و نمایندگان‌شان دریافت کنند (باباجانی، ۱۳۷۸). چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری این حق را به رسمیت می‌شناسد، اما طرفداران چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی ادعا می‌کنند که چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری، حقوق عرضه‌کنندگان اطلاعات را نادیده می‌گیرد. زیرا هدف حسابداری در این چارچوب نظری، فراهم ساختن اطلاعات مفید برای تصمیم‌های اقتصادی است و هر چه اطلاعات بیشتر باشد، بهتر است (حتی اطلاعات محرمانه)، مشروط بر آن که هزینه‌های جمع‌آوری و ارائه اطلاعات از منفعت آن کمتر باشد (باباجانی، ۱۳۸۶). به‌علاوه، طرفداران چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی اضافه می‌کنند که چارچوب نظری مبتنی بر تصمیم‌گیری، بر تصمیم‌گیرندگان که همان استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری می‌باشند، تأکید دارد، لذا یک‌سویه می‌باشد و فقط علایق ایشان را در نظر می‌گیرد و منصفانه نیست.

چه دلیلی وجود دارد که در چارچوب‌های مبتنی بر تصمیم‌گیری، جریان اطلاعات منصفانه نیست و سوگیری ناعادلانه‌ای دارد؟ مگر نه آن که استفاده‌کنندگان اطلاعات (به‌ویژه تامین‌کنندگان اصلی منابع واحد تجاری)

ندارد. در پاسخ می‌توان اظهار داشت که اولاً توافق بین کدام افراد باید صورت گیرد؟ در رابطه بین شهروندان و دولت، هر دو گروه برای مدت معینی ثابت و مشخص می‌باشند. اما در بازارهای فعالی که سهامداران شرکت‌ها به‌طور مرتب عوض می‌شوند، این توافق در سطح شرکت‌ها نمی‌تواند انجام شود. اگر قرار باشد این توافق در سطح بازار صورت گیرد، به لحاظ فلسفه سیاسی که طرفداران چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی مطرح می‌کنند، آیا جایی برای رأی پاسخ‌گو می‌ماند؟ به عبارت ساده‌تر، در جوامع مردم‌سالار هر فرد باید در تعیین سرنوشت جامعه خود قدرت رای برابر با سایر افراد داشته باشد. حال با وجود گروه‌های سهامدار، اعتباردهنده، مشتریان، کارکنان و... مدیران، تا چه حد می‌توان با شیوه توافق راه به جایی برد؟ به اعتقاد نگارنده، فلسفه این توافق‌ها نمی‌تواند مفاهیمی مانند حق دانستن یا مردم‌سالاری باشد، گو این‌که چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری نیز این موارد را به رسمیت می‌شناسد (یا با بدبینانه‌ترین نگاه، حداقل با آن در تضاد نمی‌باشد). نگارندگان معتقدند که چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی نمی‌تواند در بخش خصوصی کارایی چارچوب مبتنی بر تصمیم را داشته باشد و علت به‌کارگیری و علت کارایی این چارچوب در بخش عمومی، مفاهیمی مانند به‌رسمیت شناختن حق دانستن و حق پاسخ‌خواهی نمی‌باشد، زیرا دستیابی به این مفاهیم تحت چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری نیز دست‌یافتنی است و چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری نیز حق دانستن و حق پاسخ‌خواهی را به رسمیت می‌شناسد. البته، حق دانستن و حق پاسخ‌خواهی ریشه‌های مسئولیت پاسخ‌گویی می‌باشند، اما به نظر نگارندگان، این دو عامل نمی‌توانند علت به‌کارگیری و کارایی چارچوب حسابداری مبتنی بر پاسخ‌گویی در بخش عمومی باشند. بلکه به نظر می‌رسد که سودمندی به‌کارگیری این چارچوب در بخش عمومی به سبب ویژگی‌های محیطی بخش عمومی و نیز تغییر و تحول مفهوم کنترل می‌باشد. این تغییر در بخش خصوصی نیز رخ داده، اما به سبب ویژگی‌های محیطی بخش عمومی، باعث کارایی این چارچوب در بخش عمومی شده است.

ویژگی‌های محیطی بخش عمومی

متخصصین و محققین حوزه حسابداری بخش عمومی، به‌تفصیل ویژگی‌های محیطی بخش عمومی را برشمرده و آن‌ها را با ویژگی‌های محیطی حاکم بر بخش خصوصی، مقایسه نموده‌اند. عواملی مانند ساختار دولت، رابطه مالیات‌دهندگان (به‌عنوان کسانی که منابع مالی برای دولت فراهم می‌کنند) با خدماتی که دریافت می‌کنند، ویژگی‌های کنترلی و فرایند سیاسی، از ویژگی‌های محیطی هستند که مسئولیت پاسخ‌گویی را محور و زیربنای نظام حسابداری و گزارشگری مالی دولتی قرار می‌دهد (باباجانی، ۱۳۷۸). برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که استفاده از چارچوب نظری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی به‌دلیل آن‌که قدرت بیشتر صرفاً با مسئولیت پاسخ‌گویی بیشتر به تعادل خواهد رسید، از اهمیت بالاتری برخوردار است. برخی عقیده دارند در فقدان انگیزه سود و یا نظم حاکم بر بازار برای هدایت عمل مدیریت، مسئولیت پاسخ‌گویی می‌تواند نقش مهم‌تری در راهنمایی مدیریت برعهده گیرد (باباجانی، ۱۳۷۸). به‌دلیل آن‌که بحث پیرامون ویژگی‌های محیطی به صورت تفصیلی در مقالات اساتید و

صاحب‌نظران حسابداری بخش عمومی بیان گردیده است، برای جلوگیری از اطاله کلام به این مقدار از بحث اکتفا می‌گردد.

تغییر مفهوم کنترل

به اعتقاد برخی از مقامات ارشد دیوان محاسبات کانادا، ما در زمان تغییرات بزرگ و شگفت‌انگیز جهانی قرار داریم و تغییر نه‌تنها سریع اتفاق می‌افتد، بلکه بر سرعت آن نیز افزوده می‌شود. تغییر همیشه آسان نیست. برخی تغییر را بحران تلقی و برخی دیگر آن را فرصت ارزیابی می‌کنند... چالش بزرگ مدیریت در این دوران، یافتن راه‌هایی جهت آمادگی برای رویارویی با تغییرات و بهره‌برداری از فرصت‌ها می‌باشد. مفاهیم تفویض قدرت و خلاقیت و نوآوری، بسیاری از روش‌های مدیریت را برای انجام این مهم خلاصه می‌کند. تفویض قدرت به‌معنی تجهیز کارکنان جهت اخذ تصمیم‌هایی است که منتهی به نتایج مطلوب می‌شود و خلاقیت و نوآوری، شامل ترغیب و تشویق کارکنان برای بهبود تولید کالا و خدمات و کاهش بهای تمام شده آن‌ها خواهد بود. تفویض قدرت و خلاقیت و نوآوری، به‌طور عمده بر کسب نتایج و اغلب کاهش کنترل تاکید دارد (باباجانی، ۱۳۸۷، با تغییر). به عبارت ساده‌تر، مدیران باید برای مقابله با تغییرات، بر هوش و قضاوت کارکنان برای بهبود تولید کالا و خدمات، اعتماد نمایند. از آن‌جا که تفویض قدرت به کارکنان و رها نمودن آنان احتمالاً موجب هرج‌ومرج می‌گردد، مدیران باید از ابزار کنترلی مناسبی استفاده نمایند. در سیستم‌های سنتی مدیریتی، مدیریت از طریق قوانین متمرکز، انواع آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اقدام به کنترل کارکنان و هدایت آنان در مسیر اهداف سازمانی می‌نمود. در سیستم سنتی، کنترل به‌عنوان یک عامل محدودکننده به‌شمار می‌رفت. فلسفه نوع کنترل‌های اولیه بر این فرض استوار بود که مدیران بهتر می‌دانند (باباجانی، ۱۳۸۵). با روند تفویض قدرت و خلاقیت و نوآوری، تغییری در روند مبانی کنترل در سازمان‌ها نیز ایجاد شده است. در سیستم‌های نوین مدیریتی، ابلاغ انواع دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها و بایدها و نبایدها و... جای خود را به اتکا بر هوش و قضاوت کارکنان به‌همراه کنترل‌گر «مسئولیت پاسخ‌گویی» داده است. به‌بیان دیگر، قوانین و مقررات در حال تغییر به سمت اندازه‌گیری نتایج و تاکید بر نتایج عملکرد سازمان‌ها می‌باشد. بنابراین، کنترل نقش خود را از عامل محدودیت به عامل فراهم‌کننده تغییر داده است. تحت این سیستم مدیریتی، اصل، قدرت را به نماینده تفویض می‌کند، برهوش و قضاوت وی اتکا می‌کند و به‌جای ایجاد انواع قوانین و مقررات برای کنترل وی، از وی مسئولیت پاسخ‌گویی در برابر نتایج را طلب می‌نماید. نمایشگر ۴ مقایسه مفاهیم کنترل را نشان می‌دهد.

| سیستم‌های سنتی | سیستم‌های نوین |
|--|--|
| عامل محدودیت | عامل فراهم‌کننده |
| پیروی از دستورالعمل‌ها و قوانین متمرکز | تاکید بر کسب نتایج |
| فلسفه و مبانی نظری کنترل | اتکا برهوش و قضاوت کارکنان جهت مقابله با پیچیدگی‌های دنیای امروز |

نمایشگر ۴_ مقایسه مفاهیم کنترل

منابع:

- ✓ انجمن حسابداری آمریکا، **بیانیه مفاهیم بنیادی حسابداری**، نیکخواه آزاد، علی، کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری نشریه ۱۲۱، ۱۳۷۹
- ✓ انجمن حسابداری آمریکا، **بیانیه‌ای درباره تئوری حسابداری و پذیرش تئوری**، بزرگ اصل، کمیته مفاهیم و استانداردهای گزارش‌های مالی برون‌سازمانی، نشریه ۱۶۸ سازمان حسابداری، ۱۳۸۵
- ✓ ایجیری، یوجی، **در باب چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی**، باباجانی، جعفر، پوریانسب، امیر، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۴۶، ۱۳۸۳
- ✓ باباجانی، جعفر، **حسابداری و کنترل‌های مالی دولتی**، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶
- ✓ باباجانی، جعفر، **بررسی تطبیقی مفاهیم حسابداری واحدهای انتفاعی و دولتی**، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابداری، شماره ۲۸، ۱۳۸۲
- ✓ باباجانی، جعفر، **مسئولیت پاسخ‌گویی و کنترل‌های داخلی در بخش عمومی**، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۴۶، ۱۳۸۲
- ✓ باباجانی، جعفر، **مسئولیت پاسخ‌گویی و کنترل‌های داخلی در بخش عمومی**، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۴۷، ۱۳۸۲
- ✓ باباجانی، جعفر، **ویژگی‌های نظام حسابداری و گزارشگری مالی دولتی**، فصلنامه بیمه آسیا، شماره ۱۳، ۱۳۷۸
- ✓ باباجانی، جعفر، **نقش مسئولیت پاسخ‌گویی در چارچوب نظری حسابداری دولتی**، ماهنامه حسابداری، شماره ۷، ۱۳۷۹
- ✓ باباجانی، جعفر، **تحلیل بودجه ۸۷ از منظر مسئولیت پاسخ‌گویی**، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۹۴، ۱۳۸۷
- ✓ بختکی، بهروز، **نقش مسئولیت پاسخ‌گویی در ارتقا کیفیت ارائه خدمات عمومی**، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری شماره ۹، ۱۳۸۶
- ✓ بلکویی، احمد، **تئوری‌های حسابداری**، پارسایان، علی، انتشارات ترمه، ۱۳۸۴
- ✓ شباهنگ، رضا، **تئوری حسابداری**، مرکز تحقیقات تخصصی سازمان حسابداری، نشریه ۱۵۷، ۱۳۸۶
- ✓ هندریکسن، الدون اس، بردا، مایکلاف ون، **تئوری‌های حسابداری**، پارسایان، علی، انتشارات ترمه، ۱۳۸۴
- ✓ Deegan, Crige, **Financial Accounting Theory**, MacGraw-hill, 2006
- ✓ Keiaran, J., **A Critical Theory and Postmodernist Approach to Teaching of Accounting Theory**, A Critical Aspectives on Accounting, 2008
- ✓ Naurin, D. Fellow, M.C., and Schuman, R., **Transparency, Publicity, Accountability- The Missing Links**, Centre for Advanced Studies, European University Institute, 2006
- ✓ Wolk, H.J., Dodd. Tearney, M., **Accounting Theory**, Thomson, 2006

بنابراین، لازم نیست که پاسخ‌گو هر آنچه اطلاعات قابل افشا می‌باشد را به پاسخ‌خواه ارائه نماید، بلکه بر مبنای کسب نتایج، پاسخ‌خواه اطلاعات پیرامون نتایج حاصل شده را طی توافقی که با پاسخ‌گو حاصل می‌کند، طلب می‌نماید. پاسخ‌گو نیز لازم نیست به مثابه آدم‌واره‌های مکانیکی، مرتب به پاسخ‌خواه گزارش دهد. تغییر رویکرد کنترلی مذکور، در بخش خصوصی نیز رخ داده است؛ لیکن این امر به این معنا نیست که استفاده از چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، در بخش خصوصی مناسب است. زیرا ویژگی‌های محیطی حاکم بر هر یک از دو محیط، اثر عمیقی بر استفاده از نوع چارچوب دارد.

نتیجه‌گیری و استنباط

این نوشتار به بررسی و مرور اجمالی چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری، چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی و نگرش‌های انتقادی پرداخت. سپس با طرح نکات انتقادی پیرامون چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، مباحث و مسائلی را که کمتر مورد توجه قرار گرفته بود، بررسی و تبیین نمود. هدف این نوشتار، به چالش کشاندن چارچوب حسابداری مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی نمی‌باشد، بلکه هدف پرداختن به مسائلی است که می‌تواند افکار پژوهشگران را به تعمق بیشتر در این چارچوب نظری تهییج و تحریک نماید. در این نوشتار، استدلال شد که یا باید پذیرفت که ادعای حمایت از حریم پاسخ‌گو، چندان واقعی نمی‌باشد، یا این که اگر چنین حمایتی صورت می‌گیرد (حداقل در بخش خصوصی)، تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مختلف می‌گردد. به عبارت دیگر، چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی احتمالاً به بهای مخدوش نمودن ارائه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری، به حفظ حریم پاسخ‌گو می‌پردازد. همچنین، استدلال شد که مفاهیمی مانند حق دانستن شهروندان و حق پاسخ‌خواهی آنان، با چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری در تضاد نمی‌باشد، بلکه حتی نسبت به چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، این حقوق را بیشتر برای استفاده‌کنندگان محفوظ می‌دارد. به اعتقاد نگارندگان، لزوم استفاده از چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی، ناشی از ویژگی‌های محیطی بخش عمومی و تغییر مفهوم کنترل می‌باشد. سوگیری چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری، آن چنان که طرفداران چارچوب مبتنی بر مسئولیت پاسخ‌گویی ادعا می‌کنند، باعث تضییع حقوق عرضه‌کنندگان اطلاعات نمی‌شود. به-عبارت دیگر، در ادبیات مربوط به رابطه بین تهیه‌کنندگان اطلاعات و استفاده‌کنندگان اطلاعات، بیشترین نگرانی مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی است. این عدم تقارن اطلاعاتی، از حجم زیاد اطلاعاتی که در اختیار تهیه‌کنندگان اطلاعات است و در اختیار استفاده‌کنندگان صاحب حق قرار نمی‌گیرد، نشأت می‌گیرد. براساس دیدگاه‌های انتقادی، سیستم‌های حسابداری اغلب پیرامون نظام سیاسی حاکم ایجاد می‌گردد و به تامین منافع آنان می‌پردازد. براساس دیدگاه انتقادی، در حالی که بیشترین نگرانی از توانایی بیشتر نمایندگان برای دسترسی به اطلاعات وجود دارد، چارچوب مبتنی بر پاسخ‌گویی به ادعای حمایت از حقوق نماینده، چارچوب مبتنی بر تصمیم‌گیری را ناعادلانه توصیف می‌نماید.